

معرفی کتاب

«فرصتی دوباره برای آسیای مرکزی»^۱

مارتا بریل الکات (انتشارت بنیاد کارنگی، اوت ۲۰۰۵، ۳۹۵ صفحه)

دکتر فرهاد عطائی*

منطقه آسیای مرکزی طی هفتاد سال سلطه نظام کمونیسم در دوران اتحاد جماهیر شوروی از یاد جهانیان رفته بود. تحولات این منطقه و سرنوشت مردم این سرزمین کهن، اگر هم گهگاه در جهان بیرون مطرح می‌شد، به عنوان تحولی جزئی در بخشی از اتحاد شوروی و در قالب ملاحظات جنگ سرد مورد توجه قرار می‌گرفت. با فروپاشی اتحاد شوروی در آغاز دهه ۱۹۹۰م. اخبار مربوط به این منطقه بار دیگر در جهان مطرح شد. مردم این منطقه بدون آنکه در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقشی داشته باشند، از حاصل این واقعه مهم بهره‌مند شدند و ناگهان به استقلال دست یافتند. در منطقه آسیای مرکزی پنج جمهوری مستقل ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان به عنوان کشورهای مستقل به جمع جامعه کشورهای جهان پیوستند.

بلافاصله پس از فروپاشی شوروی خوشبینی بسیاری در جهان خارج، به ویژه غرب، نسبت به آینده این کشورها به وجود آمد. تصور این بود که پس از هفتاد سال سلطه نظام کمونیستی شوروی، اینک این کشورها به جمهوریهای مردم‌سالار تبدیل خواهند شد و در مسیر توسعه سرمایه‌داری گام برخواهند داشت. جهان غرب به ویژه به قابلیت‌های این منطقه به عنوان بازار مصرف و تأمین‌کننده انرژی مورد نیاز اروپا و

* استاد روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق(ع)

آمریکا می‌نگریست. اما پس از گذشت بیش از یک دهه از استقلال کشورهای یادشده، اثری از تحقق این امیدها دیده نمی‌شود. رهبران کشورهای آسیای مرکزی، که بیشترشان همان حزبیهای دوران اتحاد شوروی‌اند که اینک خود را به صورت قهرمانان ملی و پرچمداران ملت‌باوری (ناسیونالیسم) آراسته‌اند، بیش از هر چیز در پی بهره‌گیری از منابع این کشورها و مهار و سرکوب مردم بوده‌اند. در این میان، نشانی از حرکت به سوی مردم‌سالاری و نظام اقتصادی آزاد مبتنی بر بازار دیده نمی‌شود. فساد حکومتی، ناامنی، گسترش فعالیت گروههای مافیایی، و اختلاف رو به رشد داریان و فقیران در جامعه مشکلات دیگری است که امروزه این کشورها با آن دست به گریبان‌اند. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰م. گرایش‌اتند و افراطی‌گروههای عمدتاً متمایل به وهابیت اسلامی از نوع طالبان و القاعده در منطقه ظهور می‌کند که رشدی چشمگیر دارد. این خود موضوعی است که حکومت‌های این منطقه را مانند حکومت روسیه شدیداً به خود مشغول کرده است.

در واقع، سلطه روسها بر آسیای مرکزی و قفقاز از قرن نوزدهم (م.) آغاز شد. هنگام انقلاب بلشویکی روسیه در سال ۱۹۱۷م. مردم آسیای مرکزی فرصتی طلایی را برای رهایی از سلطه روسها از دست دادند و به زودی دوباره به عنوان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی تحت کنترل مسکو درآمدند. فروپاشی شوروی فرصتی دیگر برای مردم این منطقه فراهم ساخت. بسیاری از کارشناسان معتقدند واقعه یازدهم سپتامبر فرصتی دیگر برای تحول منطقه فراهم ساخت. گرچه امروز همه این کشورها به ظاهر مستقل و حاکم بر سرنوشت خود شده‌اند، روند تحولات چهارده سال گذشته حاکی از آن است که یک بار دیگر این فرصت از کف مردم آسیای مرکزی و قفقاز رفته است. انتخاب عنوان کتاب «فرصتی دوباره برای آسیای مرکزی» نوشته مارثا بریل الکات ناظر به همین امر است. الکات که تألیفات متعددی در باره منطقه آسیای مرکزی دارد، از متخصصان صاحب‌نام جهان در این حوزه است. وی که استاد ممتاز در دانشگاه کلگیست آمریکا است، در این کتاب جدید خود تحولات بیش از یک دهه گذشته منطقه و وضعیت موجود آن را تحلیل می‌کند و هشدار می‌دهد که با روند تحولات فعلی امکان

ظهور کشورهای ناکام (faied states) مانند افغانستان در آسیای مرکزی حتی بیشتر از دوره قبل از یازدهم سپتامبر است.

خانم الکات، پس از مروری کلی بر هر یک از کشورهای آسیای مرکزی، می‌نویسد: پس از واقعه یازدهم سپتامبر فرصتی واقعی برای مردم این منطقه فراهم شد تا در مسیر توسعه و پیشرفت گام بردارند، اما به اعتقاد وی، نه دولتهای آسیای مرکزی و نه جامعه جهانی از این فرصت دوباره استفاده نکردند و آن را از دست دادند. نویسنده همچنین، به تناقضات گسترده و آشکار در سیاست واشینگتن در منطقه اشاره می‌کند و مدعی است که همکاری دولت آمریکا با حکومت‌های غیرمردم‌سالار آسیای مرکزی موجب بروز خطرات و بحرانهای درازمدت در منطقه خواهد شد و جامعه جهانی ایالات متحد آمریکا را در این امر مسئول خواهد دانست. الکات ضمن اشاره به وقایع ازبکستان هشدار می‌دهد که اگر آمریکا و جامعه جهانی در حل مشکلات اقتصادی و سیاسی منطقه اقدام نکند، آسیای مرکزی به ورطه هرج و مرج و بحران در خواهد غلطید.

کتاب شامل یک مقدمه، هفت فصل و یک بخش ضمیمه به شرح زیر است:

- فصل یکم: پس از یازدهم سپتامبر، فرصتی غیرمنتظره؛
- فصل دوم: صحنه آسیای مرکزی: ده سال اول استقلال؛
- فصل سوم: ژئوپلیتیک آسیای مرکزی پیش از یازدهم سپتامبر؛
- فصل چهارم: رویارویی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی؛
- فصل پنجم: مشکل جانشینی به دلیل ناکامی در ایجاد نهادهای سیاسی؛
- فصل ششم: تغییرات ژئوپلیتیک: کمتر از حد انتظار؛
- فصل هفتم: انتظار از آینده: رفع مشکلات مشترک؛

در فصل یکم، الکات توضیح می‌دهد که چگونه واقعه یازدهم سپتامبر در ایالات متحد آمریکا و تغییر سیاست واشینگتن در قبال منطقه آسیای مرکزی فرصتی دوباره برای حل مشکلات ریشه‌ای منطقه فراهم ساخت. در فصل دوم، به تحولات بی‌سابقه ده سال اول پس از کسب استقلال می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه عوامل باقی‌مانده از هفتاد سال نظام سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی و واقعیات سیاسی این کشورها،

مانع از تحقق انتظارات خوشبینانه جامعه جهانی شد. در فصل سوم، نویسنده به تحولات مهم ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی پس از یازده سپتامبر می‌پردازد. فصل چهارم، تحلیلی از ماهیت مشکلات اجتماعی و اقتصادی منطقه و نحوه رویارویی با آن است. در فصل پنجم، خانم الکات نشان می‌دهد که چگونه ناکامی دولتهای آسیای مرکزی در ایجاد نهادهای لازم سیاسی و نهادسازی متناسب با اوضاع جدید موجب بروز بحران جانشینی در این کشورها شده است. در فصلهای ششم و هفتم، نویسنده به تغییرات انجام‌شده می‌پردازد و ضمن محدود دانستن این تغییرات، نگاهی به آینده منطقه دارد و از سقوط منطقه در هرج و مرج و ناکامی ابراز نگرانی می‌کند.

بخش ضمیمه کتاب حاوی مجموعه بسیار مفیدی از اطلاعات بنیادی در باره این

کشورها به شرح زیر است:

- اطلاعات کلی در باره هر کشور؛
- شاخصهای اقتصادی و اجتماعی مهم؛
- کمکهای سازمانهای بین‌المللی؛
- کمکهای ایالات متحد آمریکا به کشورهای منطقه قبل و بعد از یازدهم سپتامبر؛
- قانون حمایت از آزادی مصوب کنگره آمریکا (۱۹۹۲-۲۰۰۳ م.)؛
- آمار رشد اقتصادی منطقه ۱۹۹۰-۲۰۰۲ م؛
- طرحهای مشترک عمده با کشورهای خارجی؛
- تولید نفت و گاز؛
- شاخصهای مربوط به رشد مردم‌سالاری در منطقه؛
- آمار مبارزه با مواد مخدر؛
- احزاب سیاسی عمده؛
- سازمانهای اسلامی؛
- نام قدیم و جدید شهرهای بزرگ.

کتاب «فرصتی دوباره برای آسیای مرکزی» کتابی است که توسط پژوهشگری توانا و آگاه به منطقه نوشته شده است و حاوی اطلاعات باارزش و مفید در باره آسیای مرکزی است. تحلیل نویسنده از علل مشکلات و بحرانهای موجود در منطقه تحلیلی

جامع است و تصویری روشن از واقعیات موجود فراروی خواننده می‌نهد. آمار و اطلاعات بخش ضمیمه کتاب، خواننده را در فهم مطالب کتاب یاری بسیار می‌رساند. نویسنده به درستی دیدی انتقادی نسبت به سیاست دولت ایالات متحده آمریکا در منطقه دارد و تناقضات این سیاست را موجب تعمیق بحران موجود در آسیای مرکزی می‌داند.

انتقادی که به دیدگاه کلی حاکم بر کتاب وارد است، این است که خانم الکات، مانند بیشتر کارشناسان و پژوهشگران غربی، بر این باورند که صرف ایجاد نهادهای سیاسی لازم برای یک نظام مردم‌سالار و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و تصویب قانون اساسی و نیز برقراری یک نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، کافی است که یک جامعه عملاً در کوتاه‌مدت به آرمانهای مردم‌سالاری و آزادی دست یابد؛ در حالی که تجربه نشان داده است حرکت یک جامعه به سوی مردم‌سالاری، رشد و توسعه اقتصادی، و آزادی، امری است که تنها طی یک فرایند زمانی طولانی امکان‌پذیر است. ایجاد نهادهای لازم قطعاً امری مهم و دستاوردی است که باید به آن ارجح نهاد. اما تغییر فرهنگ مردمی که سالها در یک نظام دولت‌سالار و به دور از آزادی و مردم‌سالاری زیسته‌اند، زمانی طولانی می‌طلبد.

در این میان، همان‌طور که خانم الکات اشاره می‌کند، جامعه جهانی و کشورهای بزرگ حرکت در این مسیر را می‌توانند سرعت بخشند. اما واقعیت این است که قدرتهای بزرگ و کشورهای خارجی هر یک در منطقه به دنبال منافع خویش‌اند و اولویت با منافع آنهاست؛ نه خواسته مردم منطقه.

یادداشتها

1. Martha Brill Olcott (2005). *Central Asia's Second Chance*. Carnegie Endowment for international Peace. August, 395 pp.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی